آموزش تحلیل سیاسی/ دست معجزه‌گر جوان ایرانی

در واقع، «دفاع مقدّس وسیله‌ای شد برای اینكه استعدادهای مكنون در انسان‌ها، به شكل عجیبی بُروز كند.»(۱۳۹۲/۰۹/۲۵) «مثلاً شهید باکری؛ ایشان در آغاز جنگ یک جوان دانشجو است که تازه فارغ‌التّحصیل شده؛ حالا چند ماه یا یک مدّتی هم در پادگان‌ها گذرانده. بعد شما نگاه کنید در عملیات بیت المقدّس، در عملیات خیبر، قبل آن در عملیات فتح المبین، این جوان یک فرماندهی زبده‌ی نظامی است که می‌تواند یک لشکر را، در بعضی جاها یک قرارگاه را حرکت بدهد و هدایت کند و کار کند.»(۱۳۹۲/۰۹/۲۵) جوان مؤمن و انقلابی در جنگ نشان داد که با قدرت ایمان و علم خود، می‌تواند بر همه‌ی مشکلات و چالش‌ها فائق آمده و دشوارترین کارها را انجام دهد.





معاونت تحلیل و بررسی سیاسی

**سال دوم / شماره 108/ دوشنبه 9 مهر ماه 1397**

**معاونت تحلیل و بررسی سیاسی**

**اتحادیه اروپا با چالش های جدی روبه‌رو می شود**

****

«راست‌های جدید» در حال تسخیر یک به یک پارلمان‌های اروپایی هستند. ضدیت با ساختار حاکم و احزاب جریان اصلی، مخالفت با دموکراسی نمایندگی، مخالفت با اتحادیه اروپا و همگرایی اروپایی، ضدیت با جهانی شدن و مخالفت با جهانی شدن بخشی از ویژگی‌های این جریان پا به قدرت گذاشته در اروپاست. همه راست‌ها اگر چه در مخالفت با اتحادیه اروپا و پذیرش مهاجرت با یکدیگر متحد هستند. راست‌ها نیم‌نگاهی به انتخابات پارلمان اروپا دارند که قرار است سال آینده میلادی برگزار شود، آنان می‌خواهند چالش با اتحادیه را از پارلمان آن آغاز کنند. «راست جدید» یا همان راست‌افراطی در اروپا در حال رشد است. برخی می‌گویند راست‌های جدید گرایش‌هایی به سمت روسیه از خود نشان داده‌اند. برخی هم می‌گویند سمت و سوی تحولات بیشتر منجر به قدرت‌گیری نیروهای نزدیک به آمریکاست.

**لزوم ارتباط موثر با اروپا**

****

طی 4ماه گذشته شاهد این بودیم که تحریم‌ها اثر خود را بر بازار ارز گذاشته و نشان داده که مثلا تغییر قیمت ارز بیش از جو اقتصادی، ناشی از جو روانی و سیاسی است. البته این گزاره بدین معنا نیست که اکنون به لحاظ اقتصادی مشکل نداریم، چون قطعا عوامل اقتصادی نیز دخیل هستند، اما در این روزها مسائل سیاسی به شدت مطرح است. منتها باید واقعیاتی را در جهان پذیرا باشیم. اینکه حدود 24 درصد تولید ناخالص ملی جهان به‌وسیله آمریکا تولید می‌شود و بیش از 62 درصد تجارت بین‌الملل نیز به‌واسطه دلار آمریکا انجام می‌گیرد. بنابر این ایالات متحده قدرت اقتصادی مهمی در

جهان است، اما نه بدین مفهوم که ایران به زیر سلطه خارجی برود بلکه بدین مفهوم که اقتصاد ایران برای مبارزه با تحریم‌ها نیاز به تعامل با اقتصاد جهان دارد. برای همین تعامل با کشورهای جهان از جمله اتحادیه اروپا، شرق آسیا، آسیای میانه و همسایگان کشورمان باید در دستور کار سیاست خارجی دولت قرار گیرد. حال که اتحادیه اروپا تصمیم گرفته تجارت خود را با ایران افزایش دهد و سازوکاری ایجاد کند که مبادلات ارزی با یورو انجام شود، ایران نیز باید از این فرصت نهایت استفاده را ببرد. سازوکار پیشنهادی اروپایی‌ها چیزی شبیه به مبادله کالا به‌ کالا، اما با پول است.

**مُسکّن خوب است اما جراحی را آغاز کنید**

****

یکی از اقدامات اساسی که باید فورا در دستور کار دولت قرار گیرد، استفاده از ابزار مالیات برای بازداشتن نقدینگی از جریان یافتن به سمت فعالیت‌های غیرتولیدی است. با مالیات‌هایی نظیر مالیات بر تراکنش‌های بانکی، مالیات بر عایدی سرمایه می‌توان سطح سود فعالیت‌های غیرتولیدی را به زیر سطح سود تولید رساند. در شرایطی که سود تولید در کشور حداکثر سالانه 20 درصد برآورد می‌شود، حداقل رقم مالیات بر فعالیت‌های غیرتولیدی حتما باید بیش از 80 درصد (برای بازه زمانی یک سال) باشد تا نقدینگی از حرکت به سمت دلالی، سفته‌بازی و سوداگری بازمانده و ناگزیر به سمت تولید حرکت کند. یعنی اگر فردی در یک بازه زمانی یک‌ساله از طریق خرید و فروش دارایی به عددی از سود برسد، 80 درصد سود خود را مالیات پرداخت کند. اگر از این ابزار مالیاتی استفاده شود، مساله احتکار نیز خودبه‌خود حل خواهد شد؛ به صورتی که اگر محتکر یقین داشته باشد 90 درصد سود حاصل از احتکار را باید مالیات بپردازد، به هیچ وجه احتکار را یک فعالیت سودده نخواهد یافت.لازمه اجرای همه سیاست‌های یاد شده، چه در رابطه با ارز و چه در رابطه با بحث مالیات و مدیریت سرمایه، اشراف بر جریان پول و کالا در کشور است. دولت از فرصتی که با تزریق ارز دولتی در بازار به دست می‌آورد، تجمیع سامانه‌های اطلاعات اقتصادی موجود را سریعا در دستور کار قرار دهد. رصد و تحلیل نرم‌افزاری و انسانی این سامانه، مدیریت اقتصاد ایران را متحول خواهد کرد.

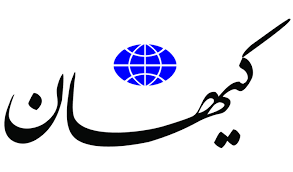
**مسوولیت‌پذیر باشید**

****

تجربه تاریخی نشان داده که در عصر جمهوری، نمی‌توان ایران را با یک جناح سیاسی اداره کرد و در طول چهار دهه گذشته به فراخور ایام هر دو جریان سیاسی مطرح، قدرت اجرایی کشور را در اختیار داشتند، هرچند که سهم و زمان جریان دوم خرداد بیش از جریان اصولگراست. در حدود 70 ماهه اخیر هم، دولتی بر سر کار است که خود را وامدار اصلاح‌طلبان می‌داند و سهمیه قابل توجهی از کارگزاران حکومتی را در اختیار آن‌ها قرار داده و دوم خردادی‌ها هم، خود

را نقش‌آفرین محوری در پیروزی‌های انتخاباتی آن می‌دانند. با این همه به نظر می‌رسد جناح مذکور با اتخاذ سیاستی سیاست‌بازانه، در حال خالی کردن پشت دولت و قرار گرفتن خود در موضع منتقد است؛ آن‌هم در شرایطی که هم در مجلس فراکسیون بزرگی دارند، هم در شوراهای اقماری اقتصادی پیرامونی فراقوه‌ای و هم در شورای شهر کلانشهرها. گویا برخی از آن‌ها به این فکر افتاده‌اند تا با عبور از روحانی و بزرگ‌نمایی و سرعت دادن به شکست‌های دولت، جریان خود را به‌عنوان آلترناتیو وضع کنونی معرفی کنند. در این زمینه از جنگ‌های رسانه‌ای گرفته تا نامه‌پراکنی‌های جنجالی و اظهارنظرهای خبرساز برای تحقق این راهبرد بهره می‌برند. حال آنکه با این روند، اولاً مسوولیت‌ناپذیری و سیاسی‌کاری خود را نزد افکار عمومی برجسته‌تر می‌کنند و در ثانی، به‌دلیل چسبندگی واقعی با دولت، در همه مصائب آن شریک‌اند و با فضاسازی نمی‌توانند بر این واقعیت، پوششی بگذارند.

**جادو شدگان جنگ هوشمند**

****

از کجا ضربه می‌خوریم؟ چرا اجرای برجام و سپس بخش دیگری از انتظارات غرب نظیر سند 2030 و اکشن‌پلی مفصل FATF ، نه تنها حال اقتصاد ما را بهتر نکرد بلکه به چالش‌های بی‌سابقه دچار نمود؟ قبلا که شورای امنیت بارها قطعنامه‌های تحریمی صادر کرده بود، وضعیت اقتصادی ما به مراتب بهتر بود. از هنگامی که توافق برجام را ذیل قطعنامه 2231 پذیرفتیم و یکطرفه به اجرا گذاشتیم، طرف مقابل زیر آن زده و شورا فقط تماشاچی بوده است. در همین دوره، دولتین قبلی و فعلی آمریکا هریک به طریقی، رفتار کاغذپاره را با قطعنامه شورای امنیت کرده‌اند؛ چندان که آقای روحانی در نیویورک گفت «آمریکا از همان ابتدا به اجرای تعهداتش در برجام وفادار نماند. متعاقباً دولت فعلی آمریکا به بهانه‌های واهی با نقض تعهدات خود، از این توافق خارج شد». حتی اگر با «جنگ هوشمند» طرف نبودیم، «پوپولیسم هوشمند» نگران‌کننده بود؛ چه رسد به ترکیب و بده بستان این دو با هم. پوپولیسم هوشمند سال‌هاست ذهن صاحب‌نظران را در دنیا به خود مشغول کرده است. نوعی از مهندسی افکار عمومی که بر مدیریت داده‌ها، اِدراکات و علایق عمومی از طریق فضای مجازی و شبکه‌های - به اصطلاح - اجتماعی استوار است. مدیران شبکه‌های اجتماعی، هم علایق و سلایق عمومی را بر اساس رفتار انبوه کاربران شناسایی می‌کنند، هم علاقه و سلیقه و نیاز می‌سازند و هم با واگذاری اطلاعات **پردازش** شده به سیاستمداران، در کانالیزه کردن انبوه رای‌ها نقش ایفا می‌کنند. گفته می‌شود تیم ترامپ از این طریق و به واسطه به خدمت گرفتن شبکه‌هایی نظیر فیس بوک توانست افکار عمومی آمریکا را به سوی خود بکشاند و انتخابات 2016 را برنده شود. پس از آن بود که نشریاتی مانند نیوزویک و اکونومیست، نگران غلبه اغواگری پوپولیستی و انحراف دموکراسی در غرب شدند. نیوزویک در گزارش مفصلی تاکید کرد انبوه داده‌ها و اطلاعات مهندسی‌شده در فضای مجازی هوشمند، در حال فاسد و نابود کردن دموکراسی است. آنها این تهدید را شست‌وشوی مغزی (BRAIN WASHED)

نامیدند. خیانت در جنگ مجازات‌های سختی را در پی دارد. ما هنوز جنگ اقتصادی و جنگ هوشمند را جدی نگرفته‌ایم که بعضی محافل، همچنان باج‌خواهی دشمن را پیام تعامل جا می‌زنند یا در مقابل نیروهای عملیات دشمن، منفعل و تماشاچی رفتار می‌کنند. هنوز جنگ را جدی نگرفته‌ایم که کسانی همچنان مشغول نقش‌آفرینی در نقشه کلان دشمن هستند، یا از الحاق به کنوانسیون‌های اسارت‌بار دم می‌زنند، یا گرای فشار‌های جدید را می‌دهند، یا به خالی کردن دل مردم مشغولند. خیانت در میانه جنگ مطلقا ترحم‌بردار نیست. یادمان باشد منافق نفوذی مانند مسعود کشمیری (عامل بمبگذاری دفتر نخست‌وزیری و شهادت شهیدان رجایی و باهنر) دبیر شورای امنیت کشور بود و اگر نقش او در آن جنایت بزرگ لو نرفته بود، لابد جزو موجهین بود. او حتی برای گذاشتن کیف بمب و ترور حضرت امام(ره) تا جماران رفته بود. اما چون محافظین خواسته بودند کیف او را بازرسی کنند، با ادای قهر و ناراحتی برگشته بود. ردپا و تحرکات خرابکارانه کشمیری‌ها قابل شناسایی است. نباید در شناسایی و مجازات آنها حتی ساعتی تاخیر انداخت**.**

**یمن وآرامشی که دیگر برای دشمنانش نیست**

****

حمله پهپادی به فرودگاه دبی، پیام عملی داخلی به حاکمان امارت شش‌گانه دیگراست. واقعیت این است که امارت‌های دیگر چوب سیاست‌های حاکمان ابوظبی را می‌خورند که بیش از سه سال است در تجاوزگری به یمن مشارکت دارند،آن‌ها گمان می‌کردند به سبب دوری جغرافیایی از آتش جنگی که خود در یمن برافروختند، در امان هستند، اما اکنون شراره‌های این آتش گوشه‌های لباس آن‌ها را سوزانده است،چه بسا بمباران فرودگا‌ه‌های دبی و ابوظبی تنها پیام‌های آغازین است و فردا مناطقی مانند شارجه و عجمان نیز در آتش این جنگ افروزی مقامات ابوظبی بسوزند.بی جهت نیست که در همین زمینه، ارتشبد عبدا... خلیفه المری رئیس پلیس دبی در صفحه رسمی فیس بوک پلیس دبی تصریح کرده است: «سیاست‌های امنیتی که ابوظبی در منطقه در پیش گرفته است، منجر به تضعیف جایگاه گردشگری و اقتصادی دبی و به طور کلی تضعیف جایگاه دبی می‌شود».افزون بر این، در میدان نیز همچنان مناطق شمالی پایتخت وسواحل غربی که حدود 75 درصد جمعیت 24 میلیونی یمن را شامل می‌شود،در دست انصار ا... است وائتلاف سعودی هنگامی که از درهم شکستن مقاومت یمنی‌ها در سواحل غربی استان استراتژیک «الحدیده» در فاصله اوایل خرداد تا اواسط شهریور مأیوس شد تلاش کرد تا از طریق جنوب و جنوب شرقی شهر حدیده و با قطع راه ارتباطی حدیده به استان‌های دیگر و از جمله پایتخت، آن را به محاصره درآورد و در یک درگیری فرسایشی برالحدیده مسلط شود اما در این جا نیز علی‌رغم حدود سه هفته جنگ سنگین با شکست کامل مواجه شد و حتی نتوانست لحظه‌ای بر این جاده مهم مواصلاتی دست یابد. در واقع یک بار دیگر فرضیه ائتلاف سعودی مبتنی بر حل مسئله از طریق جنگ ابطال و عجز بن زاید و بن سلمان درتغییر معادلات جنگ به نفع خود بیشتر از گذشته پدیدار شد؛ عجزی که به همراه تقلای امارات و عربستان برای

خروج از مهلکه سیاسی و نظامی جنگ یمن، می‌تواند زمینه ساز افزایش توانمندی موشکی انصارا... و در معرض خطر قرار گرفتن هر چه بیشتر خاک این دوکشور بیش از گذشته شود.

